

ساختار مالکیت و تأثیر آن بر بهره‌برداری از منابع طبیعی (بررسی تطبیقی)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۳/۹/۲۵ . تاریخ پذیرش: ۱۳۸۴/۲/۲۹

سعید فراهانی فرد^۱

دکتر حسین صادقی^۲

چکیده

در این مقاله با معرفی شکل‌های مختلف حقوق مالکیت در نظام‌های اقتصادی و موضعی که هر یک از این نظام‌ها نسبت به بهره‌برداری از منابع خدادادی دارند، تأثیر هر یک از آنها بر مدیریت این منابع تبیین می‌شود. آنچه مورد وفاق همه مکاتب و صاحبان اندیشه بوده و سوابق تجربی هم آن را تأیید می‌کند، این است که رها کردن منابع زیست‌محیطی و نبود حقوق مالکیت خصوصی یا دولتی زمینه تخریب این منابع را فراهم می‌کند.

از طرفی مطالعه پیشینه تجربی انواع مالکیت نشان می‌دهد که گرچه هر یک از شیوه‌های بهره‌برداری خصوصی یا دولتی در شرایط زمانی خاص موفقیت‌هایی داشته‌اند با این وجود به نظر می‌رسد واگذاری منابع غیراستراتژیک به بخش خصوصی همراه با تقویت نهادهای مدنی نظارتی می‌تواند موفقیت بیشتری داشته باشد.

در نظام حقوقی اسلام، نوع مالکیت منابع طبیعی و گستردگی نهادهای بهره‌برداری از آنها مدیریت آن‌ها را انعطاف پذیر کرده است. در نتیجه سیاست‌گذاران می‌توانند با در نظر گرفتن نوع منبع و شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی حاکم و معیارهای برگرفته از شریعت اسلام، روش‌های مناسبی را برای مدیریت و بهره‌برداری از این منابع تعیین کنند.

کلید واژه: منابع طبیعی، مالکیت، بهره‌برداری خصوصی، بهره‌برداری دولتی، دسترسی آزاد، عدالت بین نسلی و درون نسلی، محیط زیست، پایداری.

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس؛ تلفن: ۰۲۵۱-۷۸۳۰۲۱۱. نمابر: ۰۲۵۱-۷۸۳۰۲۱۰. E-Mail: farahanifards@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه تربیت مدرس؛ تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۰۳۲۸۱. نمابر: ۰۲۱-۸۸۰۰۸۵۷۱. E-Mail: sadeghih@modares.ac.ir

مقدمه

ثروت‌های طبیعی در اقتصاد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند و یکی از بنیان‌های اصلی نظام‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد. از آنجا که این ثروت‌ها در پیشرفت و بالندگی هر کشور نقش مهمی دارند، نظام‌های مختلف اقتصادی و به تبع آن دولت‌ها در صدد تبیین حقوق مالکیت و بهره‌برداری از این منابع برآمده‌اند.

از طرفی حقوق مالکیت به عنوان یک پدیده - فطری که مورد تصدیق قوانین اجتماعی نیز واقع شده است- از زمان‌های قدیم مطرح بوده و جوامع بر اساس پذیرش شکل‌های مختلفی از آن، فعالیت‌های اقتصادی خود را سامان داده‌اند.

در نظام‌های اقتصادی نیز یکی از عوامل کلیدی در تبیین و معرفی ساختار کلی آن نظام، موضعی است که بر اساس مبانی فلسفی خود، نسبت به این نهاد اجتماعی در پیش گرفت. چنانچه به رسمیت شناختن مالکیت خصوصی به شکل مطلق آن به معرفی نظام سرمایه‌داری لیبرال منجر شده و در مقابل، نفی مالکیت خصوصی و منحصر دانستن مالکیت در دولت به عنوان نماینده طبقه کارگر، نظام اقتصادی سوسیالیست را ارائه می‌دهد. در داخل هر یک از این نظام‌های اقتصادی نیز بر اساس تعدیل تعریف اولیه مالکیت، انشعاباتی رخ می‌دهد. یکی از بارزترین آثار چگونگی ساختار حقوق مالکیت به ویژه در سطح کلان تبیین مالکیت منابع طبیعی در هر کشور است. موضع‌گیری مشخص در این رابطه پیامدهای فراوانی دارد که چگونگی مدیریت این منابع، رابطه مستقیم با تعیین این موضع دارد.

در این مقاله موضع نظام‌های اقتصادی درباره مالکیت و به دنبال آن مالکیت منابع طبیعی را بررسی کرده و به دنبال آن شیوه‌های بهره‌برداری از این منابع - که بر اساس شکل‌های مختلفی از حقوق دارایی استوار شده است- بیان کرده و پیامدهای زیست محیطی و برخی از مشکلات دیگری که هر یک از این شیوه‌ها داشته‌اند و نیز راحل‌های برون رفت از این مشکلات را مطرح و در نهایت دیدگاه نظام اقتصادی اسلام را در این باره بیان می‌کنیم.

حقوق مالکیت

پالگریو (۱۹۸۸) در تعریف حقوق مالکیت گفته است :

حقوق مالکیت یک حق اجتماعی به منظور استفاده از یک کالای اقتصادی است. این حق برای یک فرد خاص در نظر گرفته شده و قابلیت مبادله برای حقوق مشابه نسبت به کالاهای دیگر را دارد. قدرت این حق بستگی به متغیرهای گوناگونی، مانند دولت، فعالیت‌های اجتماعی رسمی و معیارهای اخلاقی و معنوی متداول دارد.

ایجاد حقوق مالکیت در مورد منابع به منظور بهره‌برداری عقلایی و کارآمد از آن‌ها ضروری است. هر منبعی که در اختیار یک نفر نباشد مورد استفاده نادرست قرار می‌گیرد. اقتصاددانان به طرفداری از مالکیت خصوصی یا عمومی تقسیم شده‌اند.

آرتوریانگ^۱ (۱۸۰۴) اظهار داشت که نیروی مالکیت خصوصی می‌تواند شن را به طلا تبدیل کند. بدون وجود مالکیت خصوصی، تجمع سرمایه و پذیرش مخاطره کاهش می‌یابد و در نتیجه جامعه ممکن است با دارایی و سرمایه کمتر به بن‌بست برسد. مالکیت خصوصی اشکال متعددی مانند مالکیت فردی، اشتراکی و تعاونی دارد.

در طیف دیگر، اقتصاددانانی که متعلق به مکتب جامعه شناسان هستند، اظهار می‌کنند که مالکیت عمومی دارایی‌های مولد، مانند زمین و سرمایه، مطلوبتر از مالکیت خصوصی است. آن‌ها معتقدند خواست‌های سرمایه‌داران باعث می‌شود که مالکان در جهت تضعیف و فقر کارگران عمل کنند. (کولا، ۱۳۸۰، ص ۶۹-۷۱)

مالکیت منابع طبیعی در نظام‌های اقتصادی

نظام‌های اقتصادی به دنبال موضعی که بر اساس دیدگاه‌های فلسفی خود نسبت به اصل مسأله مالکیت گرفته‌اند درباره مالکیت منابع طبیعی نیز اظهار نظر کرده‌اند. در این بخش ضمن مروری بر مسأله مالکیت در نظام‌های اقتصادی وضعیت منابع طبیعی را نیز از این دید بررسی می‌کنیم.

نظام اقتصاد سرمایه‌داری

منابع طبیعی در نظام اقتصاد سرمایه‌داری مانند دیگر دارایی‌ها در مالکیت خصوصی افراد جامعه می‌باشد و محدودیتی نیز برای این مالکیت تعریف نشده است. دولت در موارد ضروری و به صورت استثنا برخی از منابع را مالک می‌شود.

فیزیوکرات‌ها برای نظام مالکیت و مالک احترام فوق العاده‌ای قائل بوده و معتقد بودند که مقام مالک، بنیادی الهی است. کلاسیک‌ها (اسمیت، ریکاردو و نظیر اینها) مالکیت را محترم شمرده و بر اساس آن بهره مالکانه را توصیه می‌کردند. (ریست و ژید، ۱۳۷۰: ج ۱، ص ۲۴۰).

در پایان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، با تغییر سرمایه‌داری لیبرال به ارشادی، حقوق مالکیت دارایی محدودیت‌های متعددی شد و درکنار مالکیت فردی، مالکیت جمعی و دولتی نیز رسمیت پیدا کرد. این تحولات به طور طبیعی در اداره ثروت‌های طبیعی نیز تغییراتی را به دنبال داشت. (اشنیتزر، ۱۹۹۴، لاژوژی، بی‌تا: ص ۳۵، نمازی، ۱۳۷۴: ص ۸۰-۸۶ و ۲۰۰-۲۰۲)

نظام سوسیالیسم

عنوان سوسیالیسم شامل عقاید متفکران و علمای اجتماعی متعددی است که با وجود تمایلات عقیدتی متفاوت در چند اصل با یکدیگر وحدت نظر دارند. غالب آنان مخالف رژیم

1. Arthur Young.

سرمایه‌داری و دشمن مالکیت خصوصی بوده‌اند و به دنبال استقرار مالکیت عمومی به جای مالکیت خصوصی هستند.

به نظر سن سیمون، مالکیت یک حق طبیعی - که فیزیوکرات‌ها به آن عقیده داشتند- نیست؛ بلکه یک واقعیت اجتماعی است که مانند سایر واقعیت‌های اجتماعی می‌تواند تابع قانون پیشرفت بوده و در زمان‌های مختلف تعاریف دیگری از آن بشود. او مخالف مالکیت نبود ولی آن را وسیله استثمار می‌دانست. (قدیری اصلی، ۱۳۷۶: ص ۲۵۶)

نظام سوسیالیستی از نظر عملی نیز تحولات فراوانی را پشت سر گذاشته است. در ابتدا بر اساس «فرمان در مورد زمین»- که در ۱۸ نوامبر ۱۹۱۷ از سوی دومین کنگره شوراهای روسیه تدوین گردید- زمین، منابع زیرزمینی، آبها، جنگلها، مجموعه گیاهان و سایر ثروت‌های طبیعی که به صورت ثروت‌های مردم درآمده‌اند، ملی شدند. این قانون، کنترل شدید و دقیق دولت بر این منابع را توصیه می‌کند. (آکادمی علوم شوروی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۲) آخرین تحول نیز که موسوم به لیبرماتیسم است از سال ۱۹۶۴ در شوروی با هدف حفظ نظام برنامه‌ریزی و ایجاد حداکثر کارایی ایجاد و تا اندازه‌ای به لیبرال شدن نظام اقتصاد سوسیالیستی انجامید و از شدت تضاد این نظام با نظام سرمایه‌داری کاست و در نهایت به فروپاشی این نظام و گرایش کامل به سمت سرمایه‌داری انجامید. (نمازی، همان: ۷۷-۸۰)

نظام اقتصادی اسلام

بررسی تحولات حقوق مالکیت در نظام‌ها و کشورهای مختلف بیانگر این است که گرچه هر یک از این نظام‌ها در ابتدا بر نوعی خاص از مالکیت تأکید ورزیده‌اند، اما به دنبال مواجه شدن با نارسایی‌های به وجود آمده از آن مجبور شده‌اند که تعدیلاتی در آن انجام داده و در نهایت همه نظام‌ها با پذیرش مالکیت دولتی و خصوصی هر یک در نقطه‌ای از دامنه وسیع بین دو نقطه حدی یعنی مالکیت خصوصی و مالکیت دولتی قرار گرفته‌اند و مدیریت منابع طبیعی کشور خود را نیز بر اساس این حقوق پذیرفته شده بنا نهاده‌اند.

نظام اقتصادی اسلام با بهره‌مندی از وحی از همان ابتدا با به رسمیت شناختن حقوق مالکیت افراد در کنار مالکیت دولتی و مالکیت عمومی، ضمن تقویت حاکمیت دولت در اجرای سیاست‌های پایدار در بهره‌برداری از منابع، امکان بهره‌مندی افراد را نیز از ثروت‌های طبیعی فراهم کرده است.

در این نظام، منابع طبیعی به انواع مختلفی تقسیم شده که هر یک از حقوق مالکیت خاص تبعیت می‌کند. بخش عمده‌ای از منابع طبیعی مانند معادن زمین‌های موات و آباد طبیعی در مالکیت دولت اسلامی است.

در باره چگونگی بهره‌برداری بخش خصوصی از این منابع، برخی از فقیهان معتقدند که احیای آن‌ها به معنای آباد کردن و ایجاد زمینه‌های بهره‌برری موجب ملکیت آن‌ها برای استفاده کننده می‌شود و برخی دیگر تنها حق استفاده را برای بخش خصوصی جایز دانسته و مالکیت آن‌ها را همواره برای دولت محفوظ می‌دانند. (بحر العلوم: ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۴۷). همچنین گروهی نسبت به استفاده از این منابع در زمان غیبت اعتقاد دارند مجوز عمومی از جانب امام

صادر شده است و همگان می‌توانند در این منابع تصرف کنند (مفتاح الکرامه، احیاء الموات به نقل از آصفی، ص ۱۳۹). در حالی که گروهی دیگر مجوز را از احکام تنفیذی می‌دانند و معتقدند در زمان هر امام باید تجدید شود. (آصفی، ۱۴۱۳: ص ۱۴۰)

در هر صورت با توجه به فلسفه تشریح مالکیت این منابع به نظر می‌رسد در زمان حاکمیت دولت اسلامی نظارت و اجازه دولت در استفاده از منابع شرط است.

بخش دیگر ثروت‌های طبیعی مانند آب رودخانه‌ها و چشمه‌های طبیعی و همچنین علوفه مراتع، هیزم بیابان، ماهی دریاها و پرندگان آسمان به عنوان مباحات نامیده شده و همه مردم در استفاده و بهره‌برداری از آن‌ها برابرند. منظور از اباحه در این منابع به معنای اباحه ملکیت است یعنی اشخاص می‌توانند با حیازت آن‌ها را به مالکیت خود درآورند (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۲).

نظام‌های مدیریت بر منابع

از آنچه گفته شد معلوم شد که اگر چه نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیست از جنبه نظریه شکل خاصی از حقوق مالکیت را معرفی کرده‌اند، اما در عمل و در مواجهه با شرایط زمانی مختلف، ترکیبی از این حقوق را مورد استفاده قرار داده‌اند. تیسدل و روی^۱ (۱۹۷۱) چهار نوع روش بهره‌برداری خصوصی؛ دولتی؛ اشتراکی (استفاده‌کنندگان یک گروه مشخص هستند) و همگانی (دسترسی آزاد) را بیان کرده و یادآور شده‌اند که این روش‌ها منحصر نمی‌باشد بلکه ممکن است این‌ها با یکدیگر تلاقی داشته و یا ترکیبی از آن‌ها اتفاق بیفتد؛ چنانچه در برخی از کشورهای اقیانوس هند شکل ترکیبی از بهره‌برداری دولتی و اشتراکی رخ داده است (دیویس و گراتیسید، ۲۰۰۱، ص ۲۲۸).

۱. بهره‌برداری خصوصی

در این شیوه افراد حق بهره‌برداری در حد قابل قبول از نظر اجتماعی را داشته و موظف به دوری از بهره‌برداری‌های غیر مجاز می‌باشند و سایرین مکلف به رعایت حقوق افراد هستند.

ترنر، پیرس و باتمن معتقدند از آنجا که افزایش تولید توسط یک بنگاه به بالا رفتن هزینه‌های آن بنگاه منجر می‌شود، دقت خواهد کرد که منابعی را که مجبور به پرداخت هزینه آن‌ها است، هدر ندهد. (ترنر، پیرس و باتمن، ۱۳۷۴: ص ۲۹۳-۲۹۴)

همچنین آلچاین^۲ (۱۹۶۸) می‌گوید: زمانی که یک بنگاه هیچ مدعی مسلطی نسبت به منافع خود نداشته باشد به شکل ناکارا عمل خواهد کرد. از طرفی مارتین و پارکر^۳ (۱۹۷۷) گفته‌اند: در عین این که بنگاه‌های با مالکیت دولتی ممکن است سودآوری بیشتری داشته باشند، اما آن‌ها موضوعات دیگری را نیز دنبال می‌کنند که به کارایی صدمه می‌زند. افزون بر آن به

1. Tisdell and Roy.

2. Alchine.

3. Martin, Parker.

علت این که هیچ فرد یا گروه خاصی از منافع بنگاه‌های دولتی به شکل شفاف استفاده نمی‌کند، هیچ کس انگیزه‌ای برای نظارت و پاسخگویی از تصمیمات مدیران ندارد. نظریه پردازهای انتخاب عمومی مانند نیسکنن¹ (۱۹۷۱) نیز گفته‌اند که سیاستمداران و مدیران دولتی ممکن است اهداف و منافع خود را جایگزین کارایی و سودآوری کنند. به همین دلیل نظریه پردازهای مالکیت خصوصی در مجموع معتقدند که مالکیت خصوصی نسبت به مالکیت دولتی برتری دارد.² دیلسی، ۱۹۸۳).

همچنین شواهد تجربی مربوط به مقایسه عملکرد مؤسسات و بنگاه‌ها قبل و بعد از خصوصی‌سازی بیانگر این است که مالکیت خصوصی در بازارهای رقابتی ممکن است شرایط لازم برای بهبود کارایی را فراهم کند.³ الجازاد، ۱۹۹۹؛ پارکرومارتین ۱۹۹۶ و پولیت ۱۹۹۵) با این وجود در موارد متعددی نیز سیستم قیمت‌ها در استفاده از منابع با شکست مواجه شده است.

نبود شرایط رقابت کامل، وجود هزینه نزولی در برخی از فعالیت‌ها، تفاوت نرخ تنزیل در تعیین ارزش آینده از نقطه نظر بخش عمومی و خصوصی، وجود منابع زیست محیطی که قابل قیمت‌گذاری نیستند و به شکل رایگان مورد استفاده تولید کننده قرار می‌گیرد و یا ارزش آنها در قیمت تمام شده کالاها واقعی نمی‌باشد، هزینه‌های خارجی و اثرهای جانبی که ریشه در بهره‌برداری بی‌رویه از منابع عمومی دارند از جمله علت‌های این شکست بوده که حضور دولت و در برخی موارد دخالت آن را در اقتصاد ضروری می‌کند. (ماسگریو، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶؛ ترنر، پیرس و باتمن، همان: ص ۱۰۵-۱۰۶)

از طرفی تجربه نظام سرمایه‌داری در به کارگیری شیوه بهره‌برداری خصوصی از منابع طبیعی، همسان دیگر فعالیت‌های اقتصادی، به طور معمول با انحصار، استثمار و توزیع ناعادلانه ثروت همراه بوده است که در شرایط زمانی خاص، زمینه‌های ظهور تفکر سوسیالیستی و نیز تحولاتی در درون همین نظام به همراه داشته است. (نمازی، ۱۳۷۴: ص ۷۷-۷۹)

به همین دلیل یارو⁴ (۱۹۸۶) و شرلی⁵ (۱۹۹۶) گفته‌اند که یک مدل واحد از مالکیت نمی‌تواند برای تمام فعالیت‌ها در تمام کشورها مناسب باشد. (باکس، چارنی و جالویچ، ۲۰۰۲ صص ۲۱۳-۲۱۴) نظام بهره‌برداری خصوصی در ارتباط با استفاده از منابع طبیعی اقداماتی انجام داده است. این اقدامات در راستای تغییراتی در مبانی اقتصاد سیاسی نظام سرمایه‌داری بوده که به نوعی نظارت و دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی را پذیرفته است. برخی از راه‌حل‌ها که به منظور استفاده پایدار از منابع و جلوگیری از تخریب منابع زیست‌محیطی انجام گرفته است عبارتند از:

1.. Niskanen.

2. Dealessi(1983).

3. Aljazzad, 1999 Parker and Martin, 1996 – Pollit, 1995.

4.Yarrow.

5.Shirley.

۱. تعیین حقوق مالکیت؛
۲. ایجاد بازار (بازارسازی) به وسیله مجوزهای قابل فروش صید ماهی، حقایق و آلودگی؛
۳. ابزارهای مالی مانند یارانه های مالی، وامهای سبک، وامهای بلاعوض و کمک‌های سبز؛
۴. نظام‌های عوارضی مانند عوارض آلودگی، عوارض کاربری، عوارض دسترسی، عوارض اجرایی و عوارض حفاظت منابع؛
۵. ابزارهای پولی مانند مالیات‌های آلودگی، مالیات‌های خروجی گازها، مالیات‌های تولیدات، صادرات، پس‌آب‌ها و مانند اینها
۶. نظام‌های التزامی مانند التزام‌های عملکردی زیست محیطی، التزام‌های ادعای مالکیت زمین، التزام‌های دفن زباله و التزام‌های مدیریت جنگل؛
۷. نظام‌های جریمه‌های مانند جرایم قانونی، عوارض عدم تمکین و جرایم تخریب محیط زیست.

جدول زیر، چگونگی استفاده از این ابزارها در برخی منابع را نشان می‌دهد.

نظام‌های التزامی	نظام‌های عوارضی	ابزارهای مالی	نظام‌های جریمه‌ای	ابزارهای پولی	بازارسازی	حق مالکیت	
محدودیت ادعای مجدد بر اراضی	انگیزه‌های اعمال قانون	انگیزه‌های حفظ خاک، دوام و مانند اینها	جریمه‌های آلودگی	مالیاتی املاک، کاربری	مجوزهای قابل فروش زمین	عنوان‌های زمین حق کاربری	خاک و زمین
محدودیت حوادث زیست محیطی	-----	کمک‌های سبز	قیمت‌گذاری و عوارض برای حفاظت آب	مالیات بر سرمایه	سهم آب	حقابه	منابع آب
محدودیت‌های نشت تفت	---	---	---	مالیات آلودگی	حق صید ماهی	اسناد بسترهای لجن‌زار	دریاها و اقیانوسها
محدودیت‌های جنگل‌کاری و مدیریت جنگل	عوارض تخریب منابع طبیعی	انگیزه‌های جنگل‌کاری، (یارانه‌ها)	عوارض کاربری، شهریه دسترسی	مالیاتها/خارج	ممنوعیت جبرانی	حقوق جمعی	جنگل‌ها
محدودیت ادعای مجدد بر اراضی	عوارض بیمه‌ای	کمک‌های بخشی	عوارض کاربری	مالیاتها/ خارج	سهم قابل فروش منابع	حق کاوش	معادن
---	عوارض	انگیزه‌های	شهریه	---	---	حق	حیات

نظامهای التزامی	نظامهای عوارضی	ابزارهای مالی	نظامهای جریمه‌ای	ابزارهای پولی	بازرسی	حق مالکیت	
	تخریب منابع طبیعی	جابجایی مکانی	تأثیرات، شهریه دستیابی			شکاربانی	وحش
----	عوارض تخریب منابع طبیعی	کمکهای زیستی	عوارض توریسم علمی	مالیات بر تولید و ورودیها	حقوق توسعه‌ای قابل معامله	حق ثبت، حق کشف	تنوع زیستی
محدودیت حوادث زیست محیطی	جریمه های عدم تمکین	وامهای دارای پایین‌ترین بهره	شهریه تصفیه آب، عوارض آلودگی	مالیات بر آلودگی	حق آلودگی قابل فروش	---	آلودگی آب
محدودیت حوادث زیست محیطی	جرایم عدم تمکین	وامهای کم بهره	جرایم آلودگی	مالیاتهای خروجی	مجوزهای خارجی قابل فروش	---	آلودگی هوا

بر گرفته از پاناوتو، بی‌تا: ص ۳۲-۳۴.

۲. بهره برداری دولتی

در این روش که مبتنی بر مالکیت دولتی یا عمومی منابع می‌باشد، استفاده‌کنندگان موظف به رعایت قوانین بهره‌برداری از منابع- که از طرف سازمان کنترل کننده تعیین شده است - می‌باشند و این سازمان حق تعیین قوانین بهره‌برداری را دارد.

بدیهی است که هر نوع دخالت در امر اقتصاد و از جمله در استفاده از منابع طبیعی لزوماً عملکرد نظام اقتصادی را بهبود نخواهد بخشید. بخش عمومی نیز می‌تواند مانند بخش خصوصی دچار اشتباه شود و غیرکارا عمل کند.

بر اساس اعتقاد بریتن (۱۹۷۷)، بوکاتان و واگنر (۱۹۷۷) سازمان‌های دولتی نیز به دلیل نداشتن انگیزه کسب سود و احتمال نداشتن ورشکستگی کارایی کمتری داشته و در بسیاری مواقع، منافع بوروکرات‌ها و گروه‌های فشار به تأمین بیش از اندازه کالای عمومی غیر ضروری منجر می‌شود. (هایامی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۱).

از نظر شواهد تجربی در شوروی سابق، اروپای شرقی و چین، ناکارآمدی مدیریت اقتصادی متمرکز و در کل اقتصاد و بهره‌برداری دولتی در بخش منابع طبیعی موجب شد که محیط زیست و اقتصاد از ناحیه مدیریت‌های دولتی زیان‌های بسیاری ببیند که در نهایت به فروپاشی نظام سوسیالیستی و گرایش به نظام سرمایه‌داری منجر شد. در این قسمت به شواهد موردی دیگری نیز در این مورد اشاره می‌شود.

تجربه مدیریت شوروی نسبت به کشاورزی در حوزه دریاچه آرال به کاهش ۸۵ درصدی آب دو رود آمودریا و سیردریا- که به این دریاچه می‌ریزند- کم شدن ۱۸ متر ارتفاع در آب دریاچه شده است. این کار سبب شده است که بیش از ۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع از آب شور دریاچه نمایان شده و غلظت نمک در باقیمانده آب‌ها نیز افزایش یابد. پیامدهای دیگر آن از بین رفتن صنعت ماهیگیری در این حوزه و فرسایش بیش از یک سوم زمین‌های آبیاری شده است (بانک جهانی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۱-۱۲۲).

بخش انرژی چین نیز یک دوره طولانی نظارت دولت همراه با یارانه‌های گسترده را تجربه کرده است. یارانه‌های مصرفی و تولیدی، قیمت‌های سوخت را پایین نگاه داشته، مصرف بی‌رویه را دامن زده و تداوم فن‌آوری‌های غیرکارآمد در تولید و کاربردهای انرژی را سبب شده است (وال و وینترز، ۱۳۷۹: ص ۲۴۰-۲۴۴).

در کشورهای جهان سوم، پرداخت یارانه و پایین نگه داشتن قیمت منابع، زیاده‌روی در مصرف آنان را به دنبال داشته است. به طور مثال قیمت آب مورد استفاده در کشاورزی بسیار پایین تعیین شده که بیشتر سبب می‌شود انگیزه برای حفظ آب از بین برود. ضمن این که غرقابی شدن زمین‌های تحت آبیاری را نیز موجب می‌شود. در هندوستان ۱۰-۱۲ میلیون هکتار از اراضی زیر کشت و در پاکستان ۱۲ میلیون هکتار از آن در اثر غرقابی شدن نابود شده و بخش زیادی نیز در معرض شوری قرار گرفته است (ترنر، همان: ص ۱۱۴-۱۱۵).

یک بررسی بانک جهانی (۱۹۹۶) از عملکرد پس از خصوصی سازی ۶۰ شرکت نشان می‌دهد که کیفیت ۱۱ درصد، سرمایه‌گذاری ۴۴ درصد و سودآوری ۴۵ درصد بهتر شده و میزان اشتغال و پرداخت مالیات افزایش یافته است (پاناوتو، بی‌تا: ص ۱۱۴ - ۱۱۵).

۳. بهره‌برداری گروهی

در این روش - که در حقیقت شاخه‌ای از بهره‌برداری خصوصی است- مالکین مشترک مدیریت را به صورت گروهی انجام داده و نسبت به نحوه بهره‌برداری از منابع، دارای حقوق و امتیازاتی می‌باشند. گروه مدیریت، این حق را دارند که از ورود افراد غیر عضو جلوگیری به عمل آورند. افراد غیر عضو موظفند این استثنا را محترم شمارند.

اسرام^۱ (۱۹۹۹) معتقد است در این روش، ضمن حفظ اصل ذخیره منبع، جریان درآمدی آن بین سهامداران تقسیم می‌شود (کی‌سیلینگ و ...، ۲۰۰۲: ص ۱۳۵-۱۳۶).

از طرف دیگر منتقدان این دیدگاه عواملی مانند رشد جمعیت و پیشرفت فن‌آوری را مانع موفقیت این روش می‌دانند. (ترنر و دیگران، همان، ۲۹۶).

مطالعه بر روی ۴۱ دهکده در شمال هندوستان بیانگر موفقیت این نوع مدیریت بوده است. روستاییان جداگانه بودجه جاری خود را از سرمایه‌های دولت محلی پرداخت کرده

حقوق نگهبانان محصولات دهکده و دستمزد میراب‌ها که آبیاری مزارع برنج را به عهده دارند را خود می‌پردازند. به نظر می‌رسد مهمترین انگیزه در اینجا سودی است که نصیب گروه می‌شود (ترنر و دیگران، ص ۲۹۶).

نوعی از مدیریت گروهی همان گونه که بین افراد خصوصی می‌تواند بسته شود ممکن است بین افرادی از بخش خصوصی از یک طرف و دولت در طرف دیگر هم بسته شود. برخی معتقدند این شیوه ممکن است برای برخورداری از مزایای مالکیت خصوصی و عمومی فرصتی را فراهم کند.

در مقابل، گروهی نیز معتقدند این نوع از مالکیت ممکن است عیب‌هایی هر دو نظام را به همراه داشته باشد. بوردمن و وینینگ^۱ (۱۹۹۸) نتیجه گرفتند که مؤسسات خصوصی بهتر از مؤسسات دولتی بوده در حالی که بنگاه‌های مختلط مزیتی بر مؤسسات دولتی ندارند و اغلب بدتر هستند. آنان معتقدند چنین مالکیت مشترکی بین سهامداران خصوصی و دولتی ناسازگاری ایجاد می‌کند.

زوبوای، اسکار و کبیر حسن (۲۰۰۲)^۲ انواع مختلفی از مؤسسات که مبتنی بر یکی از شکلهای حقوق دارایی و یا ترکیبی از آنها می‌باشد، معرفی کرده و به مقایسه آنها در چین پرداخته و گفته است:

مؤسسات دولتی و خارجی در مقایسه با مؤسسات مختلط اشتراکی از کارایی کمتری برخوردارند. از طرفی می‌توان گفت مؤسسات دولتی دارای کمترین سودآوری و کارایی از بین تمام انواع مالکیت غیر از نوع خارجی است (زوباروی و دیگران، ۲۰۰۲: ص ۶۱).

۴. دسترسی آزاد

در این سیستم هیچ مصرف‌کننده یا مالک معینی وجود ندارد. افراد دارای امتیاز بوده، اما حق بهره‌برداری از منابع را ندارند به طور معمول منابع تجدید شونده تحت شرایط دسترسی آزاد و بدون حقوق مالکیت به طور عمده در معرض تهدید بهره‌برداری بی‌رویه و تخریب قرار دارند (هاردین، ۱۹۶۸). بدیهی است که میزان تخریب منبع در این روش، بستگی به ماهیت هزینه‌ها و درآمدها دارد. یعنی هر چه هزینه کل بهره‌برداری از منبع کمتر بوده و نیز درآمد حاصل از فروش محصولات آن بیشتر باشد (و به عبارت دیگر هر چه سود بهره‌بردار بیشتر باشد) میزان تخریب منبع در این روش بیشتر خواهد شد. (ترنر، پیرس و باتمن همان: ص ۲۸۴ و ۲۹۸)

سطح از دست رفته جنگل‌ها به علت مصارف صنعتی در مناطق استوایی، کمبود هیزم و سایر سوخت‌های غیر فسیلی به علت استفاده بیش از حد از آنها و نیز وضع غم‌انگیز چراگاه‌ها و مراتع در اکثر مناطق دنیا نمونه‌ای از پیامدهای دسترسی آزاد به منابع طبیعی

2.Boardman – Wining.

3.Zuobaowei, Oscar and Kabir Hassan.

است (گاتاک، ۱۳۸۰: ص ۶۱۴-۶۱۷-۶۲۶). با این وجود این مشکل خود را در نواحی دریایی، بیشتر نمایان ساخته است.

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ ماهیگیری رشد بسیار زیادی در سراسر جهان داشت. در آب‌های اتحادیه اروپا میزان صید بین سال‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۶۸ دوبرابر شد و این عمل فشار زیادی را بر بسیاری از گونه‌های ماهی وارد ساخت (سند اروپا، ۱۹۸۵). در سال ۱۹۷۷ میزان ماهی‌های تخمگذار به حد بحرانی ۱۵۰۰۰۰ تن رسید (کولا، ۱۳۸۰: ص ۹۰-۹۲).

دولت زلاند نو در سال ۱۹۸۶ برای جلوگیری از صید بیش از حد، سهمیه‌های قابل فروش ماهیگیری (ITQs)^۱ را برای انواع ماهی‌ها بر اساس سابقه ماهیگیری به ماهیگیران اختصاص داد. گیرندگان این سهمیه‌ها مبالغی را پرداخت می‌کردند که درآمد به دست آمده برای خرید سهمیه آن دسته ماهیگیرانی به کار گرفته می‌شد که پول مربوط را به صید ماهی ترجیح می‌دادند. از ماهیگیران درخواست می‌شد مبلغ پیشنهادی را دریافت و از این صنعت دست بردارند. دولت هم این سهمیه‌ها را از ماهیگیرانی که کمترین قیمت را پیشنهاد می‌دادند می‌خرید تا زمانی که ماهیگیری تا حد مطلوبی کاهش یافت. از آنجا که ماهیگیران می‌توانستند بین خود نیز معامله کنند این سهمیه‌ها کم کم در اختیار بهترین ماهیگیران قرار می‌گرفت. از ویژگی‌های دیگر این روش این است که هر ماهیگیر در ابتدای هر فصل می‌داند که چه مقدار ماهی می‌تواند صید کند. این آگاهی به او توان صید کارآمد با حداقل هزینه را می‌دهد. به جای آنکه در شرایط دسترسی آزاد مجبور به صید دیوانه‌وار، بدون درنگ و پرشتاب ماهی‌ها باشد (پانابوتو، ص ۱۹۱-۱۹۳).

شواهد نشان می‌دهد که در مقایسه با سایر نظام‌های مدیریت جانشین که احتمالاً قابل اجرا هستند این نظام هم به عنوان یک ابزار حفظ منابع و هم به عنوان وسیله کاهش حجم فعالیت ناوگان‌های بزرگ صیادی غیراقتصادی، موفق بوده است. با این وجود مشکلاتی نیز بر سر راه این نظام بوده است. صید ناخواسته گونه‌های کمیاب که هدف ماهیگیران نبوده و یا صید ماهیان با ارزش و گونه‌هایی با جمعیت اندک، برخی از این مشکلات است.

در حال حاضر صنایع ماهیگیری استرالیا، کانادا، ایسلند و ایالات متحده از نظام ITO استفاده می‌کنند.

(پرم، ص ۳۵۲، به نقل از: منابع جهانی، ۱۹۹۵-۱۹۹۴، فصل دهم)^۲

نتیجه بررسی این روش‌ها آن است که نسبت به ناکارآمدی شیوه دسترسی آزاد و این که این روش در شرایط فعلی پاسخگو نبوده و منابع زیست محیطی را تخلیه و نابود می‌کند، اتفاق نظر وجود دارد. همچنین نقش دولت در تعیین حقوق مالکیت و تأمین امنیت آن و نیز تصویب قوانین بازدارنده و حمایت از نهادهای مرتبط از جانب همه حتی کشورهای دارای نظام سرمایه‌داری با اختلاف در شدت و ضعف آن پذیرفته شده است. از طرفی، تصدی‌گری مطلق

1. individual transferable quotas

1. World Resources ۱۹۹۴-1995 Chapter 10.

دولتی و برنامه‌ریزی متمرکز در همه ابعاد اقتصاد و از جمله در بهره‌برداری از منابع طبیعی از تجربه خوبی برخوردار نبوده است. بنابراین به نظر می‌رسد واگذاری استفاده از منابع به بخش خصوصی تحت نظارت دولت و نهادهای مدنی می‌تواند اهداف زیست‌محیطی و نیز توزیع عادلانه درآمد را تأمین کند. البته نسبت به منابع استراتژیک و نیز در شرایط زمانی خاص، تصدی دولت ضروری می‌باشد. اما نکته مهمتر - همان طور که اشاره شد - تعیین قوانین مالکیت، شفاف کردن و حمایت از آن توسط دولت، نقش بسیار مهم و حساسی در کارآمدی مدیریت آن‌ها دارد.

در نظام اقتصادی اسلام با وجود این که بیشتر منابع در مالکیت دولت قرار دارد، اما نهادهای فراوانی منظور استفاده بخش خصوصی در نظر گرفته شده است و این نکته دولت اسلامی را قادر می‌سازد مناسب‌ترین روش را برگزیند. ضمن این که در این نظام در مورد شیوه بهره‌برداری، به تعیین حدود و قوانین بسنده شده و مانند بسیاری دیگر از مسائل اقتصادی استفاده از شیوه‌های مناسب، مطابق با شرایط زمانی به دانش بشری سپرده شده است.

بهره‌برداری از منابع طبیعی در نظام اقتصادی اسلام

۱. تصدی مستقیم توسط دولت

این روش، بیشتر در استخراج معادن بزرگ و ارزشمندی مانند نفت و طلا و همچنین در مواردی که حضور مستقیم دولت در ایجاد اشتغال و برقراری عدالت توزیعی در جامعه مؤثر است، کاربرد دارد.

۲. استفاده از مشارکت مردم

بخش دولتی می‌تواند بهره‌برداری از منابع طبیعی را با مشارکت مردم و استفاده از سرمایه و نیروی کار آنان انجام دهد. سهم سود دولت در این قراردادها باید رابطه منطقی با سود انتظاری طرح داشته باشد؛ یعنی در مناطق و در طرح‌هایی که رغبت بخش خصوص برای سرمایه‌گذاری در آن‌ها بیشتر است، دولت می‌تواند به طور متناسب سهم بیشتری طلب کند، اما در طرح‌هایی که دارای سود انتظاری کم بوده و در نتیجه رغبت برای سرمایه‌گذاری در آنها کمتر است ولی انجام آن طرح برای رشد و توسعه کشور و ایجاد اشتغال و مانند این‌ها مناسب است، دولت باید سهم سود کمتری برای خود قرار دهد و گاهی نیز برای انجام آنها به متقاضیان کمک‌های بکند.

مشارکت با برقراری عقد مشارکت، مزارعه و مساقات امکان‌پذیر است.

۳. واگذاری به بخش خصوصی

در اصل، سیاست اولیه اسلام در فعالیت‌های اقتصادی و از جمله استفاده از منابع طبیعی این است که این فعالیت‌ها توسط خود مردم انجام گیرد و دولت فقط در مواردی که بخش خصوصی انگیزه قوی برای ورود در آن بخش را ندارد یا سپردن آن فعالیت به بخش خصوصی منافع گروه‌های ضعیف و یا منافع ملی را به خطر می‌اندازد و همچنین در شرایط خاص زمانی مانند جنگ، قحطی و نظیر این‌ها دولت تصدی فعالیت را به عهده می‌گیرد و در

واقع فعالیت اقتصادی دولت، مکمل فعالیت بخش خصوصی است نه جانشین آن. این واگذاری به دو شکل واگذاری ملکیت و واگذاری منافع امکان دارد. شکل اول در صورتی که بپذیریم انفال و دیگر ثروت‌های طبیعی قابلیت تملیک توسط بخش خصوصی را دارند با فروش، اجاره به شرط تملیک، عقد جعاله، هبه و وقف و احیاء امکان‌پذیر می‌باشد.

اما اگر مالکیت منابع طبیعی را قابل انتقال ندانیم و یا حتی با پذیرش این مبنا که انفال و دیگر ثروت‌های طبیعی را می‌توان تملک کرد ولی دولت به مصلحت نداند که این منابع را که حق همه نسل‌ها می‌باشد به یک عده خاص و یک نسل خاص واگذار کند، می‌تواند به واگذاری منافع آنها در مدت محدودی به بخش خصوصی به شکل واگذاری امتیاز بهره‌برداری، اجاره، اباحه و حیازت اقدام کند.

در تمام این شیوه‌ها نکات زیر باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. در واگذاری اصل یا منافع این منابع باید مصالح اقتصادی کشور در نظر گرفته شود. یعنی با بررسی همه راه‌ها و مقایسه بین آن‌ها بهترین راه انتخاب شود.
 ۲. در واگذاری به اشخاص و گروه‌ها و طبقات خاص، علاوه بر جلوگیری از رانت‌ها و استفاده‌های نامناسب و تبعیض‌ها اهداف کلی نظام مانند توزیع درآمد، عدالت اجتماعی و اشتغال رعایت شود.
 ۳. مبلغی که به عنوان فروش، اجاره یا حق امتیاز گرفته می‌شود با کارشناسی دقیق و متناسب با سوددهی آن و شرایط منطقه‌ای و همین‌طور با توجه به اهداف یاد شده در بند ۲ تعیین شود.
- در جدول زیر نظام‌های اقتصادی در مقایسه با یکدیگر در مورد مالکیت منابع و چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها و نیز نهاد تنظیم‌کننده و نقاط قوت و ضعف هر یک را مشاهده می‌کنیم.

جدول مقایسه نظام‌های اقتصادی نسبت به مالکیت و چگونگی استفاده از منابع طبیعی

نظام اقتصادی	مالکیت منابع	نظام بهره‌برداری	نهاد کنترل‌کننده	نقاط قوت	نقاط ضعف	راه‌حل‌ها
سرمایه‌داری لیبرال	خصوصی	خصوصی-اشتراکی-دسترسی آزاد	بازار و سیستم قیمت‌ها	ایجاد رقابت-افزایش سود	توزیع ناعادلانه، استفاده بیش از حد از منابع	گرایش به سرمایه‌داری ارشادی
سرمایه‌داری ارشادی	خصوصی-دولتی		بازار- نهادهای مدنی	ایجاد رقابت-افزایش سود	توزیع ناعادلانه	حقوق مالکیت، بازار سازی، جریمه، ابزارهای مالی و پولی

سوسیالیسم	دولتی	برنامهریزی متمرکز	دولت	توزیع برابر، جلوگیری از انباشت ثروت و شکاف طبقاتی	نیود رقابت، کاهش کارایی	گرایش به نظام سرمایه‌داری
اسلام	دولتی- عمومی مباح عامه	ترکیبی	بازار- دولت - نهادهای مردمی	ایجاد رقابت، توزیع عادلانه، جلوگیری از اتلاف منابع	در صورت انتخاب شیوه مناسب بهره‌داری نقطه ضعفی وجود ندارد.	دقت در انتخاب شیوه مناسب بهره‌داری، استفاده از شیوه‌های تجربی سایر نظامها و استفاده از اهرمهای کنترل و نظارت

۱. در نظام سرمایه داری لیبرال، مالکیت منابع در اختیار بخش خصوصی بوده و محدودیتی از سوی دولت برای بهره برداری از آنها وجود ندارد. بنابراین شکل های مختلف بهره برداری مانند بهره برداری خصوصی، اشتراکی و دسترسی آزاد در این نظام امکان پذیر می‌باشد. در این صورت، تنظیم مقدار استفاده از این منابع و قیمت آن توسط بازار تعیین می‌شود: از طرفی وجود رقابت در بین استفاده کنندگان، کارایی تولید را بالا برده و محصول به قیمت کمتری در اختیار مصرف کننده قرار می‌گیرد. البته این در صورتی است که فرد یا گروهی با برخورداری از سرمایه و فن آوری بالای خود، زمینه انحصار و کنار زدن دیگران را ایجاد نکنند. از طرف دیگر به دست آوردن حداکثر سود به استفاده بدون محابای منابع منجر شده و ضمن وارد کردن زیان به سرمایه ملی- که متعلق به همه نسل‌ها می‌باشد- نسبت به محیط زیست آثار تخریبی را به دنبال خواهد داشت. علاوه بر آن که توزیع عادلانه منابع - که اولین قدم در توزیع عادلانه ثروت‌ها و درآمدها می‌باشد- مختل می‌شود.

۲. نظام سرمایه‌داری لیبرال، بعد از روبرو شدن با چالش های جدی در درون خود با حفظ مبانی اصلی در برخی از راهبردهای خود تجدید نظر کرد که نتیجه آن سرمایه داری ارشادی یا مقرراتی بود. در این نظام، اجازه دخالت دولت در کنترل بخش خصوصی داده شد و در برخی موارد، خود دولت مالکیت و بهره برداری از برخی منابع را عهده دار شد. نظریه پردازان این نظام، راههایی را به منظور مقابله با تخریب محیط زیست و استفاده بیش از حد از منابع، مانند تصویب مالیات، یارانه و یا کنترل های مستقیم را پیشنهاد کردند. این راه حل‌ها در بخش های قبلی مورد اشاره قرار گرفت.

۳. در مقابل نظام سرمایه داری، سوسیالیستها منابع طبیعی را در مالکیت دولت قرار داده و بخش خصوصی را فقط به عنوان مجری سیاستهای دولت مرکزی دانسته‌اند. این سیستم گر چه از

تکثیر ثروت در دست بخش خصوصی جلوگیری می‌کند و مدعی این است که همه طبقات و به ویژه طبقه کارگر را در رفاه قرار دهد، اما اول آن که به سبب نبود رقابت با مشکل کارایی و بهره‌وری ضعیف مواجه بوده و دوم آن که، این نظام در عمل نتوانسته است رفاه عموم مردم را فراهم کند و ثروت را در انحصار دولت مرکزی قرار داده است. این نظام نیز در عمل تحولات فراوانی را به دنبال داشته و فاصله زیادی از میانی نظریه‌ای خود گرفته است.

۴. در نظام اقتصادی اسلام، گرچه انواع مالکیت (خصوصی، دولتی و عمومی) پیش بینی شده است، اما منابع طبیعی یا در مالکیت دولت است و یا دولت به عنوان نماینده و حافظ منافع عامه مردم، سرپرستی آن را به عهده دارد. به همین دلیل بهره‌برداری از این منابع از انعطاف زیادی برخوردار می‌باشد. اگر در اجرای دستورالعمل‌ها و رهنمودهای ارائه شده شریعت تحقق پیدا کند، ضمن برخورداری از کارایی بالا از تمرکز ثروت در دست گروهی خاص و توزیع ناعادلانه جلوگیری شده و عامه مردم از منابع بهره‌برداری از منابع استفاده می‌کنند.

در این نظام در بهره‌برداری از منابع طبیعی دو نهاد پیش‌بینی شده است که در نگاه اول و بنابر برخی نظرها ممکن است با پایداری استفاده از آن‌ها سازگاری نداشته باشد.

الف) نهاد احیا: بنابر برخی نظرها هر کسی که به احیای منبع طبیعی اقدام کند، مالک آن می‌شود. این مسأله در برخی از موارد ممکن است به تهی‌سازی منابع منجر شده و سبب انحصار منابع کمیاب در دست شخص یا گروهی خاص شود. در حالی که: ۱. بنابر نظر تمام فقها احیا باید با اجازه و موافقت دولت اسلامی انجام گیرد و ۲. گروهی از فقها معتقدند که احیاکننده فقط حق اختصاص نسبت به منبعی که احیا کرده است را پیدا می‌کند و مالکیت منبع برای دولت باقی است. بنابراین، دولت می‌تواند اهدافی مانند کارایی، عدالت و حفاظت از محیط زیست را در شرایط احیا بگنجانند و با ابزارهای نظارتی خود نیز تعهد به این شرایط را کنترل کند.

ب) نهاد حیازت: همان‌طور که در بحث دسترسی آزاد بیان شد، یکی از مشکلات مهم در بحث منابع به ویژه منابع فرار، شیوه بهره‌برداری دسترسی آزاد است که به تخلیه زود هنگام منابع تجدیدپذیر و تخریب جنگل‌ها و مراتع منجر می‌شود و گفته شد که همه نظامها در تلاش هستند، این مشکل را رفع کنند. در نظام اسلامی یکی از نهادهای استفاده بخش خصوصی از برخی منابع، حیازت است. حیازت در شیلات به وسیله صید در حیوانات وحشی با شکار در آب رودخانه‌ها به وسیله حفر کانال و در مراتع به چرانیدن می‌باشد. ممکن است تصور شود که چنین نهادی، پایداری توسعه را خدشه دار می‌کند؛ در حالی که حیازت نیز مانند احیا باید با موافقت دولت همراه باشد و دولت می‌تواند از راههای مختلفی مانند صدور پروانه بهره‌برداری از منابع را کنترل کند. در جدولهای زیر انواع منابع طبیعی، نوع مالکیت آن‌ها و نیز نهادهایی که به وسیله آن‌ها می‌توان از این منابع استفاده کرد و آثار حقوقی که بر هر یک از این نهادها مترتب می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است.

جدول تفصیلی مالکیت منابع طبیعی و چگونگی بهره برداری بخش خصوصی از آنها

منبع طبیعی	نوع منبع	جایگاه منبع	مالکیت منبع	نهاد بهره برداری	آثار حقوقی بهره برداری
معادن	ظاهری	زمین شخصی	خصوصی	بهره برداری مالکانه	مالک عین و منبع
		زمین دولتی	مباحات عامه	حیازت	مالک منافع
		زمین عمومی	عمومی	اجاره	مالک منافع
				شرکت	مشارکت در منافع
	باطنی	زمین شخصی	دولتی (انفال)	فروش	مالک عین و منافع
				هبه یا وقف بر فقرا	مالک عین و منافع
				احیا	مالک عین و منافع
				اجاره	مالک منافع
		زمین دولتی	دولتی	فروش	مالک عین و منافع
				هبه یا وقف بر فقرا	مالک عین و منافع
				احیا	مالک عین و منافع
				اجاره	مالک منافع
	زمین عمومی	دولتی	دولتی	شرکت	شرکت در منافع
				احیا	مالک منافع
				اجاره	مالک منافع
				شرکت	شرکت در منافع
				احیا	مالک منافع
				شرکت	شرکت در منافع

جدول تفصیلی مالکیت منابع طبیعی و چگونگی بهره برداری بخش خصوصی از آنها

منبع	نوع منبع	جایگاه منبع	مالکیت منبع	نهاد بهره برداری	آثار حقوقی بهره برداری
آب ها	سطحی	زمین دولتی و عمومی	مباحات عامه (مشترکات)	حیازت	مالک منافع
				بهره برداری مالکانه	مالک عین و منافع
	باطنی	زمین دولتی	مالکیت دولتی	احیا	مالک عین و منافع
				اجاره	مالک منافع

منبع	نوع منبع	جایگاه منبع	مالکیت منبع	نهاد بهره برداری	آثار حقوقی بهره برداری
جنگل‌ها	طبیعی	دولتی	مالکیت دولتی	شرکت	شرکت در منافع
				مزارعه	شرکت در منافع
				اجاره	مالک منافع
	مصنوعی	دولتی	مالکیت دولتی	مزارعه	شرکت در منافع
				اجاره	مالک منافع
				مساقات	شرکت در منافع
مراتع	---	خصوصی	مالکیت خصوصی	بهره برداری مالکانه	مالک عین و منافع
				اجاره	مالک منافع
	---	دولتی	مالکیت دولتی	مساقات	شرکت در منافع
				اجاره	مالک منافع
مراتع	---	خصوصی	مالکیت خصوصی	بهره برداری مالکانه	مالک عین و منافع
				حیازت	مالک منافع
	---	عمومی	مالکیت عمومی	مساقات	شرکت در منافع
				اجاره	مالک منافع
---	---	---	---	شرکت	شرکت در منافع
				---	---

جدول تفصیلی مالکیت منابع طبیعی و چگونگی بهره‌برداری بخش خصوصی از آن‌ها

منبع	نوع منبع	جایگاه منبع	مالکیت منبع	نهاد بهره برداری	آثار حقوقی بهره برداری
زمین	موات	---	دولتی	احیا	مالک عین و منافع
				فروش	مالک عین و منافع
				هبه یا وقف بر فقرا	مالک عین و منافع
				اجاره	مالک منافع
	آباد طبیعی	---	---	دولتی	شرکت
فروش					مالک عین و منافع

منبع	نوع منبع	جایگاه منبع	مالکیت منبع	نهاد بهره برداری	آثار حقوقی بهره برداری
				هبه یا وقف بر فقرا	مالک عین و منافع
				اجاره	مالک منافع
				مزارعه	شرکت در منافع
				شرکت	شرکت در منافع
				اجاره	مالک منافع
				مزارعه	شرکت در منافع
مفترح عنه	----	عمومی	اجاره	مالک منافع	
			مزارعه	شرکت در منافع	
			شرکت	شرکت در منافع	
ماهی دریا و رودخانه	-----	بخش عمومی	مباحات عامه	حیازت	مالک منافع
حیوانات وحشی	-----	بخش عمومی	مباحات عامه	حیازت	مالک عین و منافع
پرندگان	-----	بخش عمومی	مباحات عامه	حیازت	مالک عین و منافع
مناظر طبیعی	-----	بخش عمومی	مباحات عامه	حیازت	مالک منافع
هوا	-----	بخش عمومی	مباحات عامه	حیازت	مالک عین و منافع

۱. پیرامون مفهوم معدن ظاهری بین فقها اختلاف وجود دارد. برخی در تعریف معادن ظاهری گفته اند: معدنی که دسترسی به آن‌ها نیاز به تلاش و هزینه ندارد^۱ مانند نمک و نفت و قیر و کبریت و مومیایی و فقط جمع آوری آن‌ها مستلزم کار است. در مقابل معادن باطنی که اظهار و کشف آن‌ها نیازمند کار و تلاش و هزینه است.

گروه دیگر معادن ظاهری را چنین تعریف کرده‌اند: معدنی که کشف جوهر معدنی آن‌ها نیازمند به کار نیست. (خلاف معادن باطنی مانند طلا و نقره که به طور معمول همراه با ناخالصی است.) بنابراین در معیار ظاهر و باطن بودن دو دیدگاه وجود دارد.

۱. به نظر می‌رسد این تعریف بر اساس استخراج منابع ظاهری مانند نمک، گچ و مانند این‌ها در زمان قدیم بوده است که منبع در دسترس قرار داشته و دسترسی به آن هزینه بر نبوده است. ضمن این که بر اساس این ملاک امروز نیز دسترسی به برخی از معادن هزینه‌بر نیست، گرچه عملیات جداسازی ناخالصی یا پختن و مانند آن هزینه‌بر است.

دیدگاه علامه در تذکره که ظاهر بودن را مساوی با خالص بودن دانسته است (علامه حلی بی تا)، ج ۲، ص ۴۰۳) اما گروه دیگر از جمله صاحب جواهر، ملاک را در دسترس بودن اصل معدن یا در طبقات زمین واقع شدن آن می‌دانند (النجفی، ۱۳۶۲: ج ۳۸، ص ۱۱۰). شهید ثانی نیز مانند علامه معادن باطنی را معادنی می‌داند که جوهر آن‌ها پیدا نباشد ام از این که موجود در سطح زمین بوده و یا در اعماق زمین باشد، (العالمی (شهید ثانی) ۱۴۱۳ ق.، ج ۲۱، ص ۴۴۲).

در این مسأله نظر شهید صدر مانند نظر علامه (صدر، ۱۳۷۵: ص ۴۷۶) و دیدگاه امام خمینی مانند صاحب جواهر است. (امام خمینی، بی تا: ج ۲، ص ۳۲۰، مسأله ۳۲) ۲. در صورتی که تعداد استفاده‌کنندگان زیاد باشد، دولت می‌تواند قوانینی به منظور بهره‌برداری از این منابع وضع کند. همچنین خود دولت هم می‌تواند به عنوان یکی از استفاده‌کنندگان از این منابع، بهره‌برداری کند.

۳. دولت بر اساس مبنایی که بتوان مالکیت منابع را منتقل کرد، می‌تواند به منظور تأمین عدالت و بهبود وضع گروه‌های درآمدی پایین، قسمتی از یک منبع را برای آن گروه تملیک کند یا به صورت دیگر می‌تواند با حفظ مالکیت خود آنها را مجاز به بهره‌برداری از آن منبع کند که در اصطلاح به آن اباحه گفته می‌شود. بدیهی است این کار فقط در منابع دولتی ممکن است، اما دولت در مورد مالکیت عمومی مجاز به این کار نمی‌باشد.

خلاصه و جمع بندی

با وجود این که نظام‌های اقتصادی از جنبه نظری نسبت به مالکیت دیدگاه‌های متفاوتی دارند با این وجود نسبت به منابع طبیعی به دلیل اهمیتی که در توسعه اقتصادی کشورها دارند با حساسیت خاصی می‌نگرند و در بسیاری از کشورها با وجود نظام‌های اقتصادی مختلف، نسبت به چگونگی بهره‌برداری از منابع تقریباً اتفاق نظر وجود دارد و همه به دنبال راه‌هایی هستند که ضمن حفظ این منابع، سوددهی آن‌ها را بیشتر کرده و از پیامدهای منفی آن نیز بکاهند.

در نظام اسلامی گرچه مالکیت منابع به طور عمده در اختیار بخش عمومی قرار داده شده، اما تجربه صدر اسلام نشانگر این است که نظام اسلامی در پی آن است که خود مردم این منابع را به کارگیرند و در اصل فعالیت‌های دولت، مکمل فعالیت بخش خصوصی و در مواردی است که بخش خصوصی یا تمایل به وارد شدن در آن فعالیت را ندارد یا به دلیل‌هایی سپردن آن فعالیت به بخش خصوصی به مصلحت مسلمانان نمی‌باشد. به همین دلیل، نهادهایی گوناگون برای به کارگیری بخش خصوصی در بهره‌برداری از منابع طبیعی پیش‌بینی شده است که در مقاله به آن‌ها اشاره شد. بدیهی است که در همه این موارد، ضمن اصل نظارت دولت بر فعالیت‌ها باید با توجه با تأمین موارد زیر قراردادها تنظیم شوند:

۱. تعیین حقوق بهره‌برداران و تضمین آن توسط دولت و پاسداری از آن توسط محاکم قضایی. حقوق مالکیت تضمین شده مستلزم تعهدات قابل اجرا از سوی تمام گروه‌های سودبرنده به ویژه دولت و صاحبان قدرت می‌باشد.

۲. تقویت نهادهای نظارتی مردمی و احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و سازماندهی آن در امر حفاظت از محیط زیست.
۳. توجه به سیاستهای توزیعی به منظور رفع فقر اقشار آسیب پذیر.
۴. در نظر گرفتن سیاست اشتغالزایی برای گروه های درآمدي، سني یا منطقه‌اي .
۵. جلوگیری از تخلیه بی رویه منابع پایان پذیر و نیز تخریب منابع تجدید پذیر. بنابراین میزان استفاده از این منابع باید طبق اصول زیست‌محیطی و بر اساس روش‌های کارشناسی شده از طرف دولت به بهره بردار توصیه شده و بر تحقق آن نظارت شود. همچنین نسبت به سرمایه گذاری بخشی از منافع به دست آمده از منابع پایان‌پذیر در منابع جایگزین اقدام شود.

فهرست منابع

۱. آل بحر العلوم؛ سید محمد (۱۲۸۹ هـ) بلغه الفقیه، تهران، مکتبه الصادق، چهارم، ۱۴۰۳.
۲. آذری قمی احمد؛ احکام زمین و متعلقات آن، قم، انتشارات مکتبه ولایت فقیه، اول، ۱۳۷۳ ش.
۳. آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی؛ انسان، جامعه و محیط زیست، صلاح الدین محلاتی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، اول، ۱۳۷۲.
۴. احمدیان مجید؛ اقتصاد منابع تجدید شونده، تهران، انتشارات سمت، اول، ۱۳۸۱.
۵. الاصفی محمد مهدی، ملکیه الارض و الثروات الطبیعیه فی الفقه الاسلامی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، الاولی، ۱۳۱۴ هـ. ق.
۶. الامام خمینی؛ تحریر الوسيله، قم، مؤسسه النشر الاسلامی (بی تا).
۷. الامام الخميني روح الله؛ کتاب البیع، ج ۳، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چهارم، ۱۳۶۸.
۸. بارو کریستوفر جان؛ اصول و روش‌های مدیریت زیست‌محیطی، مهرداد اندرودی، تهران، کنگره، اول، ۱۳۸۰.
۹. بونفو ادوار؛ آشتی انسان و طبیعت، ترجمه صلاح الدین محلاتی، مرکز نشر دانشگاهی تهران، اول، ۱۳۷۵.
۱۰. پانایوتو تئودور؛ ابزارهای تحول برای فراهم کردن موجبات توسعه پایدار، سید امیر ایافت، تهران، سازمان حفاظت از محیط زیست، اول، بی تا. (سال؟)
۱۱. پرمن راجرز، یوما و مک گیل ری جیمز؛ اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی، حمید رضا ارباب، تهران، نشر نی، اول، ۱۳۸۲.
۱۲. ترنر آرک، پیرس دی و باتمن ای؛ اقتصاد محیط زیست، سیاوش دهقانیان، عوض کوچکی و علی کلاهی اهری، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۱۳. تسخیری محمد علی؛ پنجاه درس در اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات فرهنگ مشرق زمین، اول، ۱۳۸۲.
۱۴. جان نیز بیت و پاتریشا آبردین؛ دنیای ۲۰۰۰، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، اول، ۱۳۷۸.
۱۵. الجمال محمد عبدالمنعم؛ موسوعه الاقتصاد الاسلامی، بیروت، دارالکتب اللبنانی، الثانيه، ۱۴۰۶ ق.
۱۶. الحر العاملي، محمد بن الحسن (۱۱۰۴ هـ. ق) وسائل الشيعه، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۷. الحلي، جمال الدين الحسن بن علي (متوفي ۷۲۶ هـ. ق.) تذکره الفقهاء، المکتبه الرضویه بی تا.

۱۸. خالد فضلان ام و براین جوان ا، اسلام و محیط زیست، اسماعیل حدادیان مقدم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، اول، ۱۳۷۸.
۱۹. خلعتبری فیروزه؛ اقتصاد منابع طبیعی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
۲۰. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، دوم، ۱۳۷۴.
۲۱. ردکیفیت مایکل؛ توسعه پایدار، حسین نیر، تهران، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، اول، ۱۳۶۳.
۲۲. سبحانی جعفر؛ سیمای اقتصاد اسلامی، قم، مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق (ع)، اول، ۱۳۷۸.
۲۳. السمیح محمد بن علی؛ ملكيه الارض في الشريعة الاسلاميه، رياض، مؤلف، الاولی، ۱۹۸۳ م.
۲۴. السنهوری عبدالرزاق؛ الوسيط في شرح القانون المدني، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۸، ۱۹۶۷ م.
۲۵. شاله فلیسین؛ تاریخ مالکیت، فخری ناظمی، تهران، چاپ علی اکبر علمی، ۱۳۲۸ ش.
۲۶. شریعت فرشاد؛ جان لاک و اندیشه آزادی، تهران، آگاه، اول، ۱۳۸۰.
۲۷. صانعی مهدی؛ انفال و آثار آن در اسلام، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی، اول، ۱۳۷۹ ش.
۲۸. الصدر سیدمحمدباقر؛ اقتصادنا، خراسان، مکتب الاعلام الاسلامی، اولی، ۱۳۷۵ ش.
۲۹. صدر، کاظم؛ «توسعه اقتصادی پایدار، توسعه سازگار با بهره برداری از محیط زیست و حفظ آن» قم، نامه مفید، ۱۳۷۸، ش ۱۷.
۳۰. طباطبایی، سید محمد حسین؛ ترجمه تفسیر المیزان، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمی، قم، ۱۳۶۳.
۳۱. العاملی زین الدین بن علی (شهید ثانی) مسالك الافهام الي تنقيح شرائع الاسلام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، اولی، ۱۴۱۳ ه. ق.
۳۲. العبادي عبدالسلام داود؛ المكيه في الشريعة الاسلاميه بيروت، مؤسسه الرساله، اولی، ۲۰۰۰ م.
۳۳. عبداللهی محمود؛ مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۳۷۵.
۳۴. عنایه غازی، المالیه العامه و النظام المالي الاسلامي، بیروت، دار الجیل، اولی، ۱۴۱۰ ه. ق.
۳۵. عوده عبدالقادر؛ المال و الحكم في الاسلام، جده، دارالسعودیه، الخامسه، ۱۹۸۴ م.
۳۶. قحف منذر، السياسه الاقتصاديه في اطار النظام الاسلامي، جده، البک الاسلامی للتنمیة، الثانیه، ۱۴۲۲ ه. ق.
۳۷. قدیری اصلي باقر؛ سیر اندیشه اقتصادی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، نهم، ۱۳۷۶.
۳۸. کاتوزیان ناصر؛ حقوق مدنی (اموال و مالکیت) تهران، نشریلدا، اول، ۱۳۷۴.

۳۹. کمال محمد یوسف؛ فقه الاقتصاد العام، ستابرس، الاولی، ۱۴۱۰ هـ. ق.
۴۰. کولا، ارهان؛ اقتصاد منابع طبیعی، محیط زیست و سیاست‌گذاریها، سیاوش دهقانیان، فرخ دین قزلی، مشهد، دانشگاه فردوسی، اول، ۱۳۸۰.
۴۱. لاژوژی ژوزف؛ نظام‌های اقتصادی، ترجمه شجاع الدین ضیائیان، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۲. لیارد پی. آر. جی، والترز ا.؛ ثنوری اقتصاد خرد، عباس شاکری، تهران، نی، اول، ۱۳۷۷.
۴۳. مؤمن محمد. «مالکیت عمومی و اقسام آن» مقاله ارائه شده در اولین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اقتصاد اسلامی، ۱۳۶۹.
۴۴. ماسگریو ریچارد ا. و ماسگریو پگی ب؛ مالیه عمومی در ثنوری و عمل، ترجمه مسعود محمدی و یدالله ابراهیمی‌فر، تهران، سازمان برنامه و بودجه. مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، اول: ۱۳۷۲.
۴۵. المحقق الحلبي؛ شرایع الاسلام، ج ۱، بیروت، دارالاضواء، الثانيه، ۱۴۰۳ ق.
۴۶. مشهور عبداللطیف؛ الاستثمار في الاقتصاد الاسلامي، قاهره، مكتبه المدبولي الاولی، ۱۹۹۱ م.
۴۷. مطهري مرتضي؛ مجموعه آثار، انتشارات صدرا، چهارم، ۱۳۷۵.
۴۸. مطهري مرتضي؛ نظام اقتصادي اسلام، قم، صدرا، ۱۳۶۸.
۴۹. مولدان بدریچ، بیلهارز سوزان؛ شاخص‌های توسعه پایدار، نشاط حداد تهرانی، ناصر محرم نژاد، تهران، انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست، اول، ۱۳۸۱.
۵۰. النجفي محمد حسن (۱۲۶۶ هـ. ق)؛ جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، دوم، ۱۳۶۲.
۵۱. نمازي حسين؛ نظام‌های اقتصادی، دانشگاه شهیدبهبشتی، تهران؛ ۱۳۷۴.
۵۲. نوایی اسفندیار؛ نگرشی بر نظام‌های اقتصادی، تهران، منصور، اول، ۱۳۷۵.
۵۳. هایامی یوجیرو؛ اقتصاد توسعه از فقر تا ثروت ملل، غلامرضا آزاد، تهران، نی، اول، ۱۳۸۰.
۵۴. یاسین نجمان؛ تطور الاوضاع الاقتصادية في عصر الرساله، بغداد، دار الشؤون الثقافية العامه، ۱۹۹۱ م.
۵۵. یونس المصري رفیق؛ بحوث في الاقتصاد الاسلامي، دمشق، دارالمکتبی، الاولی، ۱۴۲۱ ق.

56. Backx Mattijs, Charny Michael and Gedajlovic Eric. "Public, Private and Mixed ownership and the performance of internation airlines" Jornal of Air Transport Management V.8 (2002)

57. Barry John, Frankland E. Gene" International Encyclopedia of Environmental Politics", USA and Canada , Routledge, 2002.
58. Coase, R. "The problem of social cost". Journal of Law and Economics 1960.
59. Coase, R. " The Market and the Law". University of Chicago Press, Chicago 1988.
60. Davis Derrin, Gratiside Donald F."Challenge for economic policy in sustainable management of marine natural resources" Journal of Ecological Economics, 36 (2001).
61. Demsetz Harald, Villaonga Belen "Ownership structure and corporate " Journal of corporate Finance , N 6 (2001).
62. Eatwell John, Milgate Murray, Newman Peter.Palgrave (A Dictionary Of Economics) , The Stockton Press (1998), Volume 3.
63. Dward Paul, "The Encyclopedia of Philosophy" New york, Macmillan, 1967, V 5, 6.
64. Gerlagh Reyer, Keyzer Michiel A. "Sustainability and the intergenerational distribution of natural resource entitlements" Journal of Public Economics 79 (2001).
65. Kissiling-Naf Ingirid,Volken Thomas and Bisang Kurt ."Common property and natural resources in alps, the decay of management structur?" Journal of Forest policy and economics 4(2002).
66. Schnitzer Martin C."Comparative Economic Systems" 6th ed,1994..
67. Zuobaowei and Oscar Varela, M. Kabir Hassan." Ownership and performance in china" Journal of multinational finance management n. 12 (2002).